

پیرامون تعریف وبر از جامعه‌شناسی

مجتبی شاهنوشی* - غلام‌رضا جعفری‌نیا**

چکیده

ماکس وبر^۱ جامعه‌شناس شهیر آلمانی (۱۸۶۴-۱۹۲۰). جامعه‌شناسی را چنین تعریف می‌کند: جامعه‌شناسی علمی است که از راه تفسیر به فهم کردار اجتماعی نایل آمده و سپس از طریق علیت به تبیین چگونگی گسترش آن و آثارش اقدام می‌کند. در این تعریف ما با اصطلاحاتی چون کردار اجتماعی، فهم، علیت، تفسیر و تبیین روبرو هستیم. مقاله زیر کوششی است جهت توضیح واژه‌های فوق و رابطه آنها با یکدیگر.

واژگان کلیدی:

تفهم، علیت، کردار اجتماعی.

* دکترای جامعه‌شناسی، مدیرگروه و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی دهقان.
** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی.

سابقه تاریخی موضوع

معرفت‌شناسی عبارت است از تبیین نظام‌های مختلف تبیین و توضیح واقعیت (فروند، [۱] ۱۳۶۲: ۱۳۷) این مسأله از دیرباز نظر فلاسفه را به خود مشغول داشته است.

با توسعه علوم به طور کلی و علوم انسانی بالاخص، معرفت‌شناسی در تقابل دیدگاه‌های مختلف شناخت واقعیت‌های انسانی متجلی شده است، تفکر در زمینه معرفت‌شناسی علوم انسانی باعث ظهور مفاهیم متقابل و شاید متضادی چون علوم طبیعی و علوم انسانی، طبیعت و روح، طبیعت و تاریخ، قانون و ارزش، تعمیم و تفرد و از جمله تبیین و تفهم شده است.

بعضی چون هیولیت تن^۱ و استوارت میل^۲ معتقدند می‌توان روش علوم فیزیکی یا طبیعی را در شناخت پدیده‌های اجتماعی به کار گرفت این دو در واقع فرق علوم طبیعی و علوم انسانی را محتوای مورد بررسی آنها می‌دانند ولی معتقد به اعمال روش‌های یکسان در بررسی پدیده‌های فیزیکی و اجتماعی‌اند. (فروند، [۱]، ۱۳۶۲: ۹۰)؛ بعضی دیگر چون ریکرت^۳ بین علوم طبیعی و علوم انسانی تفاوت قایل شده و اختلاف‌های آنها را نه در محتوا بلکه در روش دانسته‌اند. (فروند، [۲]، ۱۳۶۲: ۴۴) پیروان علوم تاریخی چون درویزن^۴ نیز با تمایز قایل‌شدن میان تبیین و تفهم چنین هدفی را دنبال می‌کردند. (فروند، [۱]، ۱۳۶۲: ۵۷) به نظر برخی از صاحب‌نظران این مسأله مهم‌ترین ضابطه برای تقسیم‌بندی علوم به طبیعی و انسانی است.

تفهم اصولاً از دید و روش تأویلی مایه می‌گیرد که سنتی آلمانی است. زندگی روشنفکری آلمان در سال‌های پیش از جنگ جهانی اول در واقع بر مدار انحلال مکتب نوکانت‌گرایی و طلوع پدیده‌شناسی هوسرل^۵ و رشد گرایش‌های اشراقی و

1. H.Taine(1828- 1893)

2. St.Mill(1806-1876)

3. H.Rickert(1863-1936)

4. J.C. Droysen (1808-1884)

5. E.Husserl (1859-1938)

نافردگرا دور می‌زد. روش کانتی خواستار وجه افتراقی جدی بین نظریه شناخت و مابعدالطبیعه نظری بود. مکتب هایدلبرگ در واقع بیشتر می‌خواست برای تاریخ اهمیتی برتر از علوم طبیعی قایل شود و نفوذ این مکتب قبول آن چه را که ویلهلم دیلتای آن را علوم روحی می‌نامید تسهیل می‌کرد. مسأله مورد اختلاف اینک بر سر این بود آیا فلسفه می‌تواند حقاً به سوی هدفی سواى تعمیم شیوه‌های علمی برود یا خیر؟

دیلتای^۱ و زیمل^۲ در واقع مظهر واکنش در برابر اثبات‌گرایی و علوم طبیعی بودند و با مکتب نوکانتی که منکر امکان درون‌نگری در طبیعت عینی واقعیت بود خصومت می‌ورزیدند. آنها مانند هم‌قطار فرانسوی خود هانری برگسن که اثرش به نام «تحول خلاق» در زیمل نفوذ آشکاری داشت به این نتیجه رسیده بودند که ذات اشیاء را می‌توان با درون‌نگری و اشراف شناخت. (لیشتهایم، ۱۳۵۱: ۱۱)

نوشته‌های اشخاص فوق، ماکس وبر را در تحقیقاتش برای یافتن یک شیوه جامعه‌شناسی که بتواند معنای اعمال فردی را از نظر دیگران مشخص کند تقویت کرد و تعریف وبر از جامعه‌شناسی به عنوان کوششی برای درک فعالیت‌های اجتماعی از طریق معنا آشکارا با کار دانشمندان یاد شده رابطه دارد. وبر تفهم را معمولاً در برابر تبیین قرار می‌دهد اما نظریه‌ها، در مورد ارتباط بین این دو مفهوم نوسان داشته است. در حالی که یاسپرس به تقابل خشک این دو اشاره دارد ماکس وبر از تفهم تبیینی یا تبیین تفهمی یاد می‌کند. به نظر یاسپرس موضوع تبیین، تعیین علل پدیده‌هاست که از این جهت شیوه‌ای است برازنده علوم طبیعی و علوم مشابه در صورتی که مراد از تفهم و نفوذ و رسوخ در باطن یا اندرون مناسبات درونی و عمیق پدیده‌هاست. ماکس وبر با اصطلاح تبیین تفهمی یا تفهم تبیینی اصولاً قصد دارد جامعه‌شناسی تفهمی و تبیینی را مکمل هم بشمارد. در واقع از نظر وبر هر روشی که کارایی داشته باشد بدین معنا که تحقیق را پیش برد خوب است؛ کما این

1. W.Dilthey (1833-1911)

2. G.Simmel (1858-1918)

که او هیچ مغایرتی نمی‌بیند که در جامعه‌شناسی از روش اندازه‌گیری کمی استفاده کند. (لیشتهایم، ۱۳۵۱: ۱۴) و چنین بود که رشد واقعی مفهوم تفهم به عنوان یک روش مهم آغاز شد.

مفهوم تفهم

اصطلاح تفهم معادل فارسی کلمه Verstehen آلمانی معمولاً در زبان انگلیسی Understanding و در زبان فرانسوی Comprehension ترجمه می‌شود. هر چند این دو اصطلاح نمی‌توانند معنای دقیق Verstehen را برسانند.

ریمون آرون تفهم را چنین تعریف می‌کند: از تفهم سخن می‌گوییم هنگامی که دانش معنایی کشف می‌کند که ذاتی حقیقت است و توسط آنها که واقعیت را زیسته‌اند یا آن را جدا کرده‌اند اندیشیده شده یا می‌توانست اندیشیده شده باشد. (Aron:51)

وبر تفهم را الف: توانایی زیست مجدد امور حادث در وجدان دیگری، ب: ترجمه رفتار دیگری به وسیله دانش بر حالات درونی دیگری، ج: ترجمه معانی رفتار بر حسب دلیلی کمابیش قوی، تشریح می‌کند. (Freund:151)

ذکر مثالی می‌تواند روشنگر مطلب باشد: فرض کنیم که دو شخص A و B وجود دارند؛ A موجودی است متفکر و احساس‌کننده و در زمان t_۱ دارای افکار، پیش‌بینی‌ها، ترجیحات و حالاتی عاطفی است که برخی از آنها ممکن است مربوط به رفتارهای خارجی یا حالات درونی فرد B باشد، فرد B نیز موجودی است متفکر و احساس‌کننده در زمان t_۲ دارای افکار، پیش‌بینی‌ها و ترجیحاتی که برخی از آنها ممکن است مربوط به رفتارهای خارجی یا حالات درونی فرد A باشد. فرد B به عنوان موجود متفکر و احساس‌کننده از طرف A درک و اخذ شده است.

فرد A علاوه بر اینها بیان‌کننده است و می‌تواند حالات درونیش (افکار، حالات عاطفی، ترجیحات) را در اعمال و حرکات خارجی یا از خلال کلمات صادر شده بیان کند؛ از این گذشته فرد A برای انجام مقاصدی که به طور درونی می‌اندیشد

پیرامون تعریف ویر از جامعه‌شناسی ❖ ۶۷

راه‌هایی انتخاب می‌کند و بالاخص پیش‌بینی می‌کند که اجرای فلان عمل خارجی در برابر فرد B، او را در وصول به مقاصدش کمک خواهد کرد.

پس فرض می‌کنیم که فرد A در زمان کوتاهی بعد از t_0 مثلاً t_1 عملی انجام می‌دهد که یا بیان قصد شده‌اش از حالات درونیش است یا عملی است که بر طبق پیش‌بینی‌های او به انجام مقاصدش کمک می‌کند. در این جا باید متذکر شد بین احساس درونی و بیان یا پیش‌بینی و عمل فاصله‌ای زمانی است که می‌توانیم آنرا زمان حداقل خارجی کردن بنامیم.

عمل خارجی A در زمان t_1 در زمان کوتاهی بعد از t_1 توسط B که شاهد اعمال خارجی A است توسط ابزارهای حسی او ضبط و دریافت می‌شود؛ مجدداً توجه به زمان کوتاه لازم برای ضبط اساسی است. باید توجه داشت که ضبط حسی اعمال خارجی A توسط B همزمان با صور قضاوتی از طرف B راجع به نحوه رفتار خارجی A نسبت وقتی قضاوتی راجع به اعمال خارجی A صادر می‌کند که مضبوطات حسی او در ذیل مفاهیم ذهنیش تعیین و متمایز شوند. ضبط حسی، درک مفهومی (درونی) نیست و عمل‌کننده B برای آنکه قضاوتی راجع به اعمال A داشته باشد بایستی به تعیین مفهومی (درونی) اعمال A بپردازد، بنابراین عمل صادر شده از طرف A در t_1 ، در زمان t_2 (که می‌تواند زمانی کوتاه بعد از t_1 باشد) توسط حواس B ضبط شده و در زمان t_3 توسط او در ذیل مفاهیم درونیش تعین شده است.

فاصله t_3-t_2 می‌تواند بسیار کوتاه باشد و زمانی است که در طی آن اطلاعات حسی به مغز منتقل و در درون مغز متعین می‌شوند. توجه به این نکته لازم است که B برای منظم کردن دریافت‌های حسی مغشوش خود احتیاج به مفاهیم درونی ذهنش دارد و این مفاهیم در ساختن رفتار خارجی A برای B وارد می‌شوند) در زمان کوتاهی بعد از t_3 ، عمل B عمل A را (به نحوی که آن را متعین و مشخص کرده) ترجمه می‌کند یعنی حالتی درونی به A نسبت می‌دهد یا خیال می‌کند که مشغول زیست مجدد حالات درونی A است یا با او هم‌درد است (یا در حالات او شریک است)

این زمان کوتاهی بعد از t_3 است که می‌توان آن را t_4 نامید. (راد، ۱۳۵۷: ۱۵۴-۱۵۱) پس تفهّم عبارت است از درک معانی درونی رفتار هر شخص. یاسپرس تفهّم را نفوذ و رسوخ در باطن یا اندرون مناسبات درونی و عمیق پدیده‌ها می‌داندست او تفهّم را با الفاظی چون احساس درونی یا قلبی، غور یا فرورفتن در نفسانیات مشخص می‌کند. روش تفهّمی برخلاف تبیین که برای شناخت امر واقع به شرحه شرحه کردن آن می‌پردازد به کلیت یا تمامیت زیسته آن حرمت می‌گذارد. یاسپرس مفهوم بداهت را اساس تفهّم می‌شمارد.

نظرات وبر در این مورد با این که از نظرات افراد نام‌برده زیاد دور نیستند با این حال تفاوت‌هایی در این مورد مشاهده می‌شود که می‌توان ۱- تأکید روی جنبه فرضی بودن تفهّم ۲- لزوم تکمیل آن به وسیلهٔ علیت ۳- کاربرد تیپ ایده‌آل در این مورد ۴- تأکید روی این مسأله که برای جامعه‌شناسی تفهّمی معنا، همواره تفهّم معنایی تصور شده از طرف عمل‌کننده‌هاست و نه معانی درست از نظر منطقی یا حقوقی و غیره و بالاخره ۵- تأکید روی اهمیت معانی زیست شده فعلی، یعنی توجه به آن چه در درون ذهن عمل‌کننده‌ها گذشته و نه به آن چه که می‌بایستی می‌گذشت را نام برد. (راد، ۲۰۵: ۱۳۵۷)

کردار یا کنش اجتماعی

کردار اجتماعی یکی از مفاهیم مهم و کلیدی در جامعه‌شناسی وبر است که به توضیح آن می‌پردازیم. اصولاً اعمالی را که از موجود انسانی سر می‌زند می‌توان به دو نوع تقسیم کرد یک نوع آن اعمال است که عمل‌کننده به آن معنای ذهنی می‌دهد یعنی قبل از انجام آن تصور انجام آن را در ذهن خود دارد؛ نوع دوم اعمالی است بدون معنای ذهنی. نوع اول را می‌توان کنش و نوع دوم را رفتار نامید^۱. وظیفه مطالعه رفتار با

۱- هر چند تفاوت معناداری به لحاظی ممکن است بین وزه کنش و رفتار وجود نداشته باشد ولی به جهت روشن شدن مطلب این تفکیک ضروری است.

پیرامون تعریف و بر از جامعه‌شناسی ❖ ۶۹

زیست‌شناسی یا روان‌شناسی است مانند اعمال غیرارادی چون سوانق (گرسنگی، تشنگی و امثالهم). نوع اول یعنی کنش خود به دو نوع تقسیم می‌شود: قسمتی معنای ذهنیش برخاسته از حالات کاملاً شخصی و درونی فرد عمل‌کننده است، مثلاً هنگامی که فرد به تنهایی در حال قدم‌زدن است یا به تنهایی در یک خیابان در حال دوچرخه‌سواری است و تحت تأثیر فرد حاضر یا غایبی نیست. مطالعه این نوع کنش نیز بر عهده روان‌شناسی است.

اما مفهوم مورد نظر ما کنش یا کردار اجتماعی است این کنش اولاً رفتاری است همراه با معنای ذهنی و ثانیاً معنای ذهنی به رفتار یا تصور رفتار دیگری برمی‌گردد. دوچرخه‌سوار بیان شده تا زمانی که در حالات شخصی خود و به تنهایی در حال حرکت است در حال کنش فردی است اما به محض این که یک وسیله نقلیه از جلو ظاهر شد از این لحظه به بعد دوچرخه‌سوار مجبور است به حرکت خود بر اساس حرکت آن وسیله نقلیه یا برداشتی که از حرکت آن وسیله نقلیه و آثار مترتب بر آن دارد به حرکت خود شکل دهد. این کنش از این زمان به بعد اجتماعی است و موضوع مورد مطالعه جامعه‌شناسی.

حتی ضرورتاً هر تماسی که بین افراد انجام گیرد دارای خصوصیت اجتماعی نیست. زمانی این خصوصیت وجود دارد که رفتار فرد به شکل معنی‌داری به دیگران معطوف باشد. برای مثال صرف به هم خوردن دو نفر دوچرخه‌سوار ممکن است یک واقعه طبیعی تلقی شود اما از طرف دیگر تلاش آنها در اجتناب از برخورد با هم یا احتمالاً پرخاش و یا بحث مسالمت‌آمیزی که پس از تلاقی پیش می‌آید نوعی کنش اجتماعی است. (وبر، ۱۳۷۴: ۲۶)

وبر کنش‌های اجتماعی را به چهار دسته یا نوع تقسیم می‌کند:

الف) کنش عقلانی معطوف به هدف

ب) کنش عقلانی معطوف به ارزش

ب) کنش عاطفی

ت) کنش سنتی (آرون، ۱۳۶۳: ۲۱۱-۲۱۰)

۷۰ ❖ پیرامون تعریف وبر از جامعه‌شناسی

اصولاً عقلانیت از نظر وبر عبارت است از انجام هر اقدامی که در آن رابطه‌ای منطقی بین هدف و وسیله وجود داشته باشد و این امر می‌تواند در هر حوزه‌ای از حیات اجتماعی وجود داشته باشد مثلاً در بحث از بازار، عقلانیت عبارت است از هر اقدامی که در راستای شرایط بازار است و می‌تواند منافع (هدف) را به حداکثر برساند. (وبر، ۱۳۷۴: ۱۰۶)

کنش عقلانی معطوف به هدف تقریباً مترادف کنش منطقی «پاره‌تو» است یعنی هر اقدامی که بین هدف وسیله رابطه منطقی وجود دارد و هدف رسیدن به نتیجه‌ای عینی و بیرونی است. مثلاً ساختن پل از نظر یک مهندس از نوع چنین کنشی است. کنش عقلانی معطوف به ارزش عبارت است از انجام یک کار برای رسیدن به نتیجه‌ای که از نظر کنشگر با ارزش و مهم تلقی می‌شود مانند مردن به خاطر یک هدف مقدس.

کنش عاطفی اقدامی ناشی از حالتی وجدانی است و امری انفعالی است مانند سیلی‌ای که مادر به دلیل غیرقابل تحمل بودن رفتار فرزند به او می‌زند. و بالاخره کنش سنتی که ناشی از عادت‌ها و سنت‌ها است و تصویری از یک هدف بیرونی، ارزش یا احساس عاطفه در آن نیست مانند سلام کردن که امری از روی عادت و خود به خودی است. (آرون، ۱۳۶۳: ۲۱۱-۲۱۰)

علیت و رابطه آن با تفهم

به نظر وبر درک‌پذیری ذاتی امور انسانی معنایش این نیست که تفهم از حقیقت‌سنجی علمی بی‌نیاز باشد بنابراین تفهم تا آنجا که ممکن است باید کنترل شود.

به نظر او در زمینه کردار اجتماعی همه روابط معنا‌داری که به طرز بداهتاً معقول به فهم در می‌آیند عقلانی هستند منتها این بداهت عقلانی از لحاظ علمی معتبر نیست مگر آنکه در سنتی آن از راه‌های معمول تحقیق علمی قابل رسیدگی باشند؛ یکی از وسایل در این راه مسأله پیوستگی علت و معلولی است. در واقع

بیرامون تعریف وبر از جامعه‌شناسی ❖ ۷۱

صحبت از تفهّم تبیینی یا تبیین تفهّمی بیان رابطه علیت با تفهّم است زیرا اساس تبیین که عمدتاً در علوم طبیعی به‌کار برده می‌شود بر مسأله علیّت استوار است. در این ارتباط دو جنبه هم‌علیّت به علیّتی معنادار تبدیل می‌شود و هم تفهّم مورد ارزیابی علمی قرار می‌گیرد.

در عرف عام معمولاً علت به معنای شرط لازم و کافی برای حدوث یک واقعه تعریف می‌شود اما به نظر می‌رسد که قصد وبر از علیت نوعی روابط احتمالی در پدیده‌های اجتماعی است و احتمالی بودن را به علت نقص دانش ما ناشی از فقر منافع و هم‌چنین کثرت رویدادهایی که به عنوان علت در نظر گرفته می‌شوند می‌داند.

روش تحلیل علیّتی شامل مراحل زیر است:

- ۱- تحلیل پدیده‌های پیچیده به عناصر آنها،
 - ۲- پیش‌فرض کردن دانش قوانین عام موجود در دستگاه‌های نظری،
 - ۳- حذف فرضی یکی از عوامل در پدیده قبلی،
 - ۴- بازساخت ساختمان فرضی شکل حوادث در صورت حذف این عامل،
 - ۵- مقایسه ساختمان فرضی با حوادث واقع،
 - ۶- برقراری پیوستگی علت و معلولی بر اساس مقایسه، (راد، ۱۳۵۷: ۲۱۳)
- با در ارتباط قراردادن این موارد و تفهّم می‌توانیم کوششی در صحت و سقم تفهّم در هر مورد خاص انجام دهیم.

ذکر مثالی در این خصوص نامناسب نیست.

ما دو شخص A و B داریم که از یکدیگر ناراحت هستند و رو به روی هم ایستاده‌اند و فرض ما این است این دو شخص رفتاری عقلانی دارند که در جهت اهداف خود روش‌های مناسب بر اساس شناخت از طرف مقابل به کار می‌برند، در این میان اگر ما بگوییم شخص A فلان تصور را از فرد B دارد وقتی قضاوت ما (تفهّم ما) از رفتار A درست است که در صورت انجام عمل مشخصی از طرف فرد

B، فرد A همان عکس‌العملی را انجام دهد که ما پیش‌بینی کرده‌ایم.

نتیجه‌گیری

از زمان شکل‌گیری علم جامعه‌شناسی در سال ۱۸۳۹ توسط اگوست کنت^۱، تفکر اثباتی بر این علم سایه افکنده بود. در این نگرش، روش علوم انسانی و تجربی یکسان تلقی می‌شد. دیدگاه تفهیمی وبر در واقع واکنشی بود در برابر این نگرش و ارائه روشی خاص علوم انسانی. البته وبر هیچ‌گاه روش‌های دیگر و کاربرد آن را در علوم انسانی و به ویژه جامعه‌شناسی انکار نکرد، استفاده از واژه‌هایی چون علیت، تبیین و عقلانیت و ارتباطی که بین این واژه‌ها و مفاهیم برقرار می‌کند. تأییدی است بر این ادعا.

منابع و مأخذ:

- ۱- آرون، ریمون، ۱۳۶۳، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، جلد دوم.
- ۲- راد، منوچهر، ۱۳۵۷، درون فهمی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- ۳- فروند، ژولین، a، ۱۳۶۲، آرا و نظریه‌ها در علوم انسانی، ترجمه علی محمد کاردان. بی‌جا: بی‌نا.
- ۴- فروند، ژولین، b، ۱۳۶۲، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نیکان.
- ۵- لیشتهایم، جرج، ۱۳۵۱، لوکاچ، ترجمه بهزاد باشی، تهران: امیر کبیر.

6- Aron, Raimonds, introduction A la philosophiede l'histoire.

7- weber max, Essais sur la theorie dela science